


نویسنده خودتان باشید (سویه صفری)

تشریح:	شاگردان عناصر قصه گفتن، از جمله جزئیات، مشخصات، طرح داستان و تکنیک‌های سوادآموزی را کشف می‌کنند و به صورت خلاقانه کتاب‌های خود را ترسیم و می‌نویسند.
سوالات رهنمودی	چه چیز یک قصه را دلچسب می‌سازد؟
رده سنی	۴ تا ۵ ساله
مضامین:	سواد آموزی، هنر، قصه‌های احساسی (عاطفی) و علم ریاضی
مجموع زمان مورد نیاز	۵ ساعت در ۵ روز
رهنمای شخصی / فعالیت نظارت شده:	نظارت شده
منابع قابل استفاده:	پنسل، کاغذ، پنسل رنگه، سریش، توپ
نتیجه‌گیری آموزش	<ul style="list-style-type: none"> دانش آموزان قسمت‌های مختلف یا یک کتاب را درک خواهند کرد. دانش آموزان جزئیات یک داستان را شناسایی کرده و می‌گویند. دانش آموزان شخصیت‌های داستان را درک خواهند کرد. شاگردان متوجه خواهند شد که یک داستان کجا در حال وقوع است. دانش آموزان احساسات خود را شناسایی کرده و در مورد آنها صحبت می‌کنند و آنها را با احساسات شخصیت در داستان مقایسه می‌کنند. دانش آموزان کتاب‌های خود را خواهد ساختند.



روز اول - در این روزها، شاگردان در حین کاوش در داستان‌های دیگر، عناصر مختلف قصه سرایی را درک خواهند کرد. دانش آموزان محل وقوع داستان و شخصیت‌ها را شناسایی می‌کنند. شاگردان می‌فهمند و نقشه داستان‌ها را ایجاد می‌کنند.

زمان	فعالیت و تشریح
۲۰ دقیقه	<p>به شاگردان یک قصه بخوانید. در صورتیکه به قصه دسترسی ندارید، یک قصه در لنک زیر پیدا کنید. (یک کتاب برای پچکو):</p> <p>https://storyweaver.org.in/stories/24620-a-book-for-puchku;</p> <p>در غیر این صورت، می‌توانید یک حادثه خوشحال کننده یا یک رویداد در زندگی خود را به یاد بیاورید که حیران شده‌اید (به‌طور مثال، آخرین تولد، یک سفر یا یک جشن).</p> <p>به یاد داشته باشید که عنوان داستان و نام نویسنده را به دانش آموزان بگویید.</p> <p>از دانش آموزان بخواهید هنگام گوش دادن به داستان به موارد زیر توجه کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> عنوان داستان چه کسی داستان را نوشته است شخصیت‌ها (افراد یا حیوانات در داستان)، و جایگاه داستان رخ میدهد. <p>نکته: در حین مطالعه، سعی کنید بر تمام جزئیات، شخصیت‌ها، محل وقوع داستان و زمان (صبح- بعد از ظهر- شب) تأکید کنید. تأکید به اطفال کمک می‌کند تا قسمت‌های مختلف داستان را درک نمایند.</p>

<p>۱۰ دقیقه</p>	<p>متن را با آواز بلند بخوانید:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● شاگردان را متوجه بسازید که در مورد عناوین داستان فکر کنند. ● از شاگردان پرسید که در مورد شخصیت ها فکر کنند و بگویند که کی هستند. ● داستان در کجا رخ داده است (تنظیم و ترتیب)؟ ● و برای به اتمام رساندن، از آنها پرسید که آیا داستان را خوش دارند، چرا و یا چرا نی. و به شما بگویند که کدام قسمت داستان بسیار خوب بود؟
<p>۳۰ دقیقه</p>	<p>موضوع "نقشه داستان" را به دانش آموزان معرفی کنید:</p> <p>برای کمک به دانش آموزان برای درک ساختار داستان که مطالعه می شود، می توانید آنها را تشویق کنید تا نقشه داستان ها رسم کنند.</p> <p>نقشه داستان به شاگردان نظریه از رویدادهای اصلی داستان می دهد، که به آنها کمک می کند تا روش ترتیب داستان را به خاطر بسپارند.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● می توانید به آنها یک چوکات بدهید که بالای آن کار کنند، و یا ● یک ورق کاغذ خالی در اختیار شاگردان قرار دهید و، ● از آنها بخواهید که خودشان آن را ترسیم نمایند. <ul style="list-style-type: none"> ● قسمی به نظر میرسد که شاگردان رویدادهای اصلی داستان را بدانند و بتوانند روش ترتیب آنها را به خاطر بسپارند. ● شاگردان را تشویق کنید تا تصاویری را بالای نقشه داستان رسم کنند تا به آنها در تصور داستان کمک کند. ● آنها را تشویق کنید که گفتار نوشته شده در حباب های گفتار یا فقط کلمات مفرد را بنویسند. <p>از مکالمات در حین خواندن برای صحبت در مورد شخصیت های داستان و محل وقوع داستان استفاده کنید.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● و از دانش آموزان بخواهید که نقشه را داستان بسازند. ● آنها شروع به رسم کردن شخصیت های مختلفی که در داستان پیدا کرده اند (حیوانات، مردم و غیره) می کنند. ● و جاییکه داستان اتفاق می افتد (جنگل، شهر، صحرا و غیره) را می نویسند. <div style="display: flex; justify-content: space-around; margin-top: 20px;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%; text-align: center;"> <p>عنوان: _____</p> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; width: 45%; text-align: center;"> <p>نویسنده: _____</p> </div> </div> <div style="display: flex; justify-content: space-around; margin-top: 20px;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 10px; width: 45%; text-align: center;"> <p>شخصیت ها</p> </div> <div style="border: 1px solid black; padding: 10px; width: 45%; text-align: center;"> <p>تنظیمات</p> </div> </div> <div style="text-align: center; margin-top: 20px;">  </div>

روز دوم: امروز از طریق داستان «بچه گک کلاه سرخک»، دانش آموزان سه بخش یک داستان را درک خواهند کرد: آغاز، وسط و پایان. آنها از نقشه یک داستان برای خود میسازند و به طور مستقل استفاده خواهند کرد.

زمان	فعالیت و تشریح
۳۰ دقیقه	<p>شما در مورد محیط (جاییکه یک داستان اتفاق می افتد) و شخصیت ها صحبت کرده اید. امروز شاگردان متوجه خواهند شد که در ابتدا، وسط و آخر داستان چه اتفاقی می افتد:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● آغاز به معنی آن چیزی است که ابتدا در داستان اتفاق می افتد. ● وسط یعنی اتفاقی که در ادامه داستان می افتد. ● پایان یعنی آخرین اتفاقی که در داستان می افتد. <p>داستان زیر را برای دانش آموزان بخوانید و با هم شناسایی کنید</p> <ul style="list-style-type: none"> ● تنظیمات ● شخصیت ها ● شروع ● وسط ● آخر (پایان) <p>بچه گک کلاه سرخک با مادرش در یک جنگل زندگی می کرد. یک روز بچه گک کلاه سرخک به دیدار مادر کلانش رفت. او یک کیک خوشمزه و مقبول در سبد خود داشت.</p> <p>بچه گک کلاه سرخک در راه خود با گرگ روبرو شد. گرگ گفت: سلام! «کجا می روی؟» «من می روم مادر کلانم را ببینم. او در خانه پشت آن درختان زندگی می کند.» گرگ به خانه مادر کلان دوید و مادر کلان را خورد. رفت بالای تخت مادر کلان. چند دقیقه بعد بچه گک کلاه سرخک به خانه رسید. طرف گرگ سیل کرد و به گرگ گفت: «مادر کلان چه چشمان کلانی داری!» «بهتر است که تو را با آن ببینم!» گرگ گفت: «مادر کلان، چه گوش های بزرگی داری!» گرگ گفت: «مادر کلان، چه بینی کلانی داری!» گرگ فریاد زد: «مادر کلان، چه دندان های تیزی داری!» «بهتر است که تو را بخورم!»</p> <p>یک چوب شکن در جنگل بود. صدای چیغ را شنید و به طرف خانه دوید.</p> <p>چوب شکن به سر گرگ زد. گرگ دهانش را باز کرد و فریاد زد و مادر کلان بیرون برآمد.</p> <p>گرگ فرار کرد و بچه گک کلاه سرخک بعد از آن هرگز گرگ را ندید.</p> <p>ادامه این داستان را میتوانید در لنک زیر دریافت نمایید https://learnenglishkids.britishcouncil.org/es/short-stories/little-red-riding-hood ویا اضافه کنید.</p>

<p>۲۰ دقیقه</p>	<p>اکنون از شاگردان می خواهید که برای این قصه «بچه گک کلاه سرخک» نقشه یک داستان فراهم نمایند.</p> <p>این بار دانش آموزان شخصیت ها، محیط و آنچه را که در ابتدا، وسط و پایان (آخر) داستان اتفاق می افتد ترسیم می کنند.</p> <p>برای مفکوره گرفتن به تصویر مراجعه کنید.</p> <p>بازگویی داستان</p> <p>اسم: _____</p> <p>عنوان _____</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;">  <p>شخصیت ها</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>تنظیمات</p> </div> </div> <div style="display: flex; justify-content: space-around; margin-top: 10px;"> <div style="border: 1px solid black; border-radius: 15px; width: 150px; height: 80px; text-align: center; padding: 5px;">ابتدا</div> <div style="border: 1px solid black; border-radius: 15px; width: 150px; height: 80px; text-align: center; padding: 5px;">وسط</div> <div style="border: 1px solid black; border-radius: 15px; width: 150px; height: 80px; text-align: center; padding: 5px;">پایان</div> </div> <p>نکته: شما میتوانید شاگردان را تشویق نمایید تا در مورد تصاویر کلمات تشریحی نوشته کنند.</p>
<p>۱۰ دقیقه</p>	<p>در این فعالیت آخری، شاگردان به طور مستقل داستان «بچه گک کلاه سرخک» را به خوانش خواهند گرفت.</p> <ul style="list-style-type: none"> از شاگردان بخواهید در گروه های ۲ یا ۳ نفره کار کنند و به هر یک فرصت دهید تا با سیل کردن به نقشه های داستان خود، داستان را دوباره بخوانند.

روز سوم - امروز، دانش آموزان مهارت های تفسیری خود را با فعالیت «ترسیم یک داستان» بهبود می بخشند. دانش آموزان یک موضوع را انتخاب می کنند، داستان خود را می سازند و برای شخصیت ها گدیگ های کاغذی می سازند .

زمان	فعالیت و تشریح
۳۰ دقیقه	<p>فعالیت: یک داستان رسم نمایید.</p> <p>این فعالیت نقاشی و داستان سرایی را با هم ترکیب می کند.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● دانش آموزان را جوره بسبازید یا در گروه های کوچک تنظیم نمایید. ● هر شاگرد هر تصویری را که خوش دارد بالای یک توته کاغذ رسم می نماید. شاگردان را تشویق کنید که حداقل یک شخصیت را در نقاشی خود بگنجانند. ● شاگردان نقاشی های خود را با شخصیکه در پهلوی شان است تبدیل می کنند. آن شخص فعلا یک داستان را به اساس یک نقاشی تعریف می کند. بعداً "هنرمند" اصلی میتواند داستانی را که با نقاشی خود ساخته است با دیگران به اشتراک بگذارد. <p>نکته: این بازی عالی برای بهبود مهارت های تصور شاگردان و همچنان مهارت های تفسیری آنها میباشد.</p>
۳۰ دقیقه	<p>در این فعالیت، شاگردان یکی از موضوعات زیر را انتخاب می کنند و یک داستان کامل شامل صحنه، شخصیت ها، آغاز، میانه و پایان می سازند. آنها گدیگک های انگشتی برای داستان خواهند ساخت.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● از شاگردان بخواهید یکی از موضوعات را انتخاب کنند: <div style="display: flex; justify-content: space-around; text-align: center;"> <div data-bbox="483 1081 657 1234">  <p>حیوانات مورد علاقه</p> </div> <div data-bbox="683 1081 862 1234">  <p>بهترین دوستان</p> </div> <div data-bbox="888 1081 1066 1234">  <p>موجودات جادویی</p> </div> <div data-bbox="1092 1081 1271 1234">  <p>اعضای خانواده</p> </div> </div> <ul style="list-style-type: none"> ● شاگردان شخصیت ها رسم می کنند (آنها میتوانند هر تعداد که خوش داشته باشند، حیوانات و افراد) و تنظیمات را ترسیم نمایند. با در نظر داشت ترتیب شروع، وسط و پایان. ● شاگردان این کار را برای روز چهارم نگهداری می کنند. <p>زمانیکه شاگردان برای داستان آماده شدند، گدیگکهای انگشتی کاغذی برای نمایش شخصیت های داستان طراحی می کنند. گدیگک ها می توانند هر شخصیتی را که خوش دارند باشند.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● از شاگردان بخواهید که شخصیت های خود را ترسیم کرده و رنگ آمیزی کنند. (برای گرفتن مفکوره به تصویر مراجعه کنید) <div data-bbox="506 1591 852 1879">  </div>

برای تبدیل شخصیت ها به گدیگک انگشتی، شاگردان باید "بال ها" را در پایین اضافه کنند تا بتواند در اطراف انگشت آنها قرار گیرد. مطمئن شوید که بال های شما به اندازه بلند هستند که به خوبی در اطراف انگشت شما قرار بگیرند.

- از شاگردان بخواهید بال ها را به عرض ۳ سانتی متر و ارتفاع ۱ سانتی متر بسازند تا به خوبی در انگشتان خود محکم شوند. آنها در این زمینه به کمک شما نیاز خواهند داشت. برای گرفتن مفکوره میتوانید عکس را ببینید.



- در قطع کردن گدیگک انگشتی به شاگردان کمک کنید.
- آنها میتوانند آن را با پیچاندن آن به دور انگشت خود امتحان کنند.
- هنگامی که کاملاً تنظیم شد، شاگردان میتوانند آن را با یک مقدار چسب در جای خود محکم کنند.






























به شاگردان اجازه دهید تا گفتگو بین شخصیت ها را در سناریوهای مختلف تمرین کنند.

- از شاگردان بخواهید داستان های خود را با همسالان خود به اشتراک بگذارند.
- اگر برای دیالوگ نیاز به کمک دارند، میتوانید با پرسیدن مثلاً «شخصیت شما چه کار می کند؟» به آنها راهنمایی کنید. یا «شخصیت خود را در این داستان توصیف کنید؟»

نکته: گدیگک های انگشتی برای ساختن دیالوگ (کلمات) بین شخصیت ها بسیار خوب است.

روز چهارم - امروز، شاگردان احساسات مختلف را شناسایی، بازتاب دهی و در مورد آنها بحث خواهند کرد و بعداً آنها را با احساسات شخصیت در داستان‌ها مقایسه می‌کنند. شاگردان امروز با شروع به ساختن کتاب‌های خود به نویسندگان واقعی تبدیل خواهند شد.

زمان	فعالیت و تشریح									
۲۰ دقیقه	<p>امروز را با یک «فعالیت عاطفی» شروع می‌نماییم. صحبت در مورد احساسات آنها به شاگردان کمک می‌کند تا احساسات شخصیت‌های داستان‌ها را درک کنند.</p> <p>شناخت کارت عاطفی (احساسات):</p> <ul style="list-style-type: none"> ● شما یک لیست احساسات ایجاد خواهد کردید. ● با یک احساس اولیه مانند خوشحالی یا غم شروع کنید و توضیح دهید که این یک احساس است. ● مثال دوم را با استفاده از یک احساس پیچیده تر، مانند هیجان یا حیرت، تشکیل دهید.. ● از شاگردان بخواهید که فکر کنند و درباره احساسات دیگر به شما بگویند، آنها را به لیست اضافه کنید و عنوان را در یک تخته کاغذی برای شاگردان نمایش بدهید. ● اکنون، به ابتدای عناوین احساسات خود برمی‌گردید و از شاگردان می‌خواهید که برای احساساتی که باعث میشود افراد در درون احساس خوبی داشته باشند و برای احساساتی که باعث می‌شود افراد در درون احساس خوب نداشته باشند، به شما جواب مثبت دهند. <p>مباحثه بعدی را انجام دهید.</p> <ul style="list-style-type: none"> ● از شاگردان بپرسید که آیا تا به حال کدام احساس داشته‌اند که به سختی میتوان تصمیم گرفت که آیا این احساس باعث می‌شود احساس خوب داشته باشند یا نی. با مثال واضح سازید. <table border="1" data-bbox="477 1146 1075 1612"> <tbody> <tr> <td>خوش </td> <td>خسته </td> <td>پریشان </td> </tr> <tr> <td>دوست داشتنی </td> <td>غمگین </td> <td>گریه </td> </tr> <tr> <td>دوست داشتنی </td> <td>خجالتی </td> <td>هیجان </td> </tr> </tbody> </table> <p>شما میتوانید جدول احساسات (جدول حالت) را به شاگردان نمایش دهید. «امروز چه احساس می‌کنید؟» آنها از جدول استفاده می‌کنند و احساسات خود را بیان می‌کنند.</p>	خوش 	خسته 	پریشان 	دوست داشتنی 	غمگین 	گریه 	دوست داشتنی 	خجالتی 	هیجان 
خوش 	خسته 	پریشان 								
دوست داشتنی 	غمگین 	گریه 								
دوست داشتنی 	خجالتی 	هیجان 								

<p>۱۰ دقیقه</p>	<ul style="list-style-type: none"> این داستان کوتاه را به شاگردان بخوانید. بعد از آن، باهم در مورد احساسات شخصیت‌ها مباحثه نمایید. <p>علی و قالین جادویی</p> <p>یک روز بسیار گرم، علی در دوکان کاکایش یک قالین پیدا می‌کند. «این چه است؟» ناگهان قالین خیز می‌زند! حرکت می‌کند و به هوا پرواز می‌کند. «هی! چه اتفاق می‌افتد؟ صدای بلند از طرف قالین می‌آید. "خوش آمدی استاد. من یک فرش جادویی هستم." ابتدا آنها به آسمان بلند می‌شوند و در جنگل پایین می‌آیند. گرم و مرطوب است و باران می‌بارد. 'هوا بارانی است! اوه!' بعد از آن به صحرا پرواز می‌کنند. بسیار بسیار گرم و خشک است. «امروز بسیار زیاد گرم است!» پس از آن، آنها به قطب جنوب پرواز می‌کنند. یخ و برف زیاد است. همه چیز را یخ می‌زند «برر!» «اکنون کجا هستیم؟ من نمی‌توانم ببینم!» «در کوهستان. میتوانی مرا ببینی؟» «بسیار غبار آلود است.» بعدا به سمت جنگل پرواز می‌کنند. آنجا بسیار باد می‌وزد «او، در جنگل باد می‌وزد!» بعدا به جزیره ای در دریا پرواز می‌کنند. الماسک و غرش آسمان بسیار زیاد است. "آآآخ! بیا بریم خانه!" «چه طوفانی!» سرانجام آنها به خانه برمی‌گردند. قالین جادویی در دوکان پایین می‌آید و علی پیاده می‌شود. 'وای! چه ماجرای بود!'</p> <ul style="list-style-type: none"> از شاگردان بپرسید که علی در ابتدا، در وسط قصه چه احساس داشت. در آخر داستان او چه احساس می‌کرد؟
<p>۳۰ دقیقه</p>	<p>با داستانی که شاگردان در جریان روز سوم ایجاد کردند، اکنون شروع به ساخت کتاب‌های خود می‌کنند!</p> <ul style="list-style-type: none"> سه پارچه کاغذ خالی به آنها بدهید و از آنها بخواهید تا کاغذها را قات کنند. آنها می‌توانند کتابی با سه صفحه (ابتدا - وسط - پایان) بسازند. از شاگردان بخواهید شخصیت‌ها، تنظیمات مختلف، اعمال آنها و احساس‌شان را ترسیم کنند. آنها از گدیگ‌های کاغذی برای دیالوگ‌ها استفاده خواهند کرد. از آنها بخواهید در صورت نیاز نقشه‌های اضافی را اضافه کرده و بسازند. <p>به اطفال خود کمک کنید تا تمام صفحات را یکجا بسازید و کتاب را ترتیب کنید.</p> <p>این را برای آخرین روز منحنیث یک یادگیری نگهدارید.</p>

روز پنجم - امروز، شاگردان دو ویژگی اضافی کتاب را بررسی خواهند کرد: صفحات و جلد اول. آنها با افزودن این معلومات جدید کتاب‌های خود را نهایی می‌کنند.

زمان	فعالیت و تشریح
۲۰ دقیقه	امروز شاگردان کتاب‌های خود را تنظیم و ترتیب (تالیف) می‌کنند. شاگردان می‌دانند که یک داستان دارای تنظیمات، شخصیت‌ها، آغاز، وسط و پایان است. شاگردان با دو ویژگی ضروری که برای ایجاد کتاب‌های خود باید بدانند آشنا می‌شوند:

	<ul style="list-style-type: none"> ● از طریق یک بازی حساب، شاگردان در مورد «نمبر گذاری صفحه» یاد می‌گیرند: عددی که در گوشه پایینی قرار دارد که با ورق زدن صفحه هنگام خواندن تغییر می‌کند. <p>برای این ویژگی جدید، می‌توانید یک بازی ریاضی انجام دهید: به شاگردان اشاره کنید که اعداد همه جا هستند. اگر دقت کنند، اعدادی را در صفحات کتاب داستان پیدا می‌کنند!</p> <ul style="list-style-type: none"> ● بیایید شمارش را تمرین کنیم! از اطفال بخواهید تا ده و دوباره از ده پایین با شما حساب کنند. <p>نکته: اگر فکر می‌کنید که آنها می‌توانند بروند، به آنها کمک کنید تا ۲۰ حساب کنند!</p> <p>اکنون زمان بازی است!</p> <p>تعداد بازیکنان: دو یا چند جوهره بازیکن.</p> <p>چگونه بازی کنیم:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● در تیم ها، توپ را پرتاب کنید و بگیرید. ● هر بار که توپ را از فردی به فرد دیگر پاس می‌دهید با صدای بلند حساب کنید. ● هر بار که توپ را می‌گیرید، عدد را بشمارید، از شماره یک شروع کنید و هر بار که توپ را می‌گیرید به ترتیب حساب کنید. <p>اگر توپ افتاد، از ابتدا شروع کنید.</p> <p>کدام جوهره نخست به عدد ده میرسد؟ آنها بازی را برنده می‌شوند!</p>
۱۰ دقیقه	<p>شاگردان اکنون یک جلد (پوش) برای کتاب های خود طراحی می‌کنند:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● پس از پایان بازی، «جلد کتاب» را به شاگردان معرفی کنید، اگر کتابی دارید، می‌توانید به آنها نشان دهید و بپرسید که چه معلومات را می‌توانند در جلد کتاب ببینند. می‌توانید از مثال زیر جلد اول استفاده کنید یا فقط به آنها توضیح دهید که جلد یک کتاب دارای موارد زیر است: ● عنوان ● یک رسم در مورد داستان ● نام نویسنده (آنها) ● عنوان نقاشی در مورد داستان نام نویسنده (آنها)

	<div style="text-align: center;">  </div> <div style="display: flex; justify-content: space-around; margin-top: 10px;"> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; background-color: #e0f0ff;">عنوان</div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; background-color: #e0f0ff;">طراحی</div> <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; background-color: #e0f0ff;">نویسنده</div> </div> <p style="text-align: center; margin-top: 20px;">از شاگردان بخواهید که در مورد عنوان برای داستان خود فکر کنند. برای آنها چند مثال بدهید:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● "من و بهترین دوستم" ● "ماجراهای جک و پشک" ● "سگ غمگین" ● «مادر من یک ابرقهرمان است» <p>بالای یک کاغذ، شاگردان نقاشی می کشند و نام خود را می نویسند. در ساختن عنوان کتاب به آنها کمک کنید.</p> <p>شاگردان جلد پیشروی را استبلر/چسب می کنند و تعداد صفحات را روی کتابی که روز قبل شروع کرده اند می نویسند.</p> <p>چالش: از شاگردان بخواهید که سعی کنند یک جمله ساده یا کلمات را زیر تصاویر بنویسند.</p>
۲۰ دقیقه	<p>به شاگردان وقت بدهید تا کتاب های خود را با دوستان یا اعضای خانواده خود به اشتراک بگذارند.</p> <p>منعکس سازید و بحث کنید: هر یک از شاگردان را در حضور دیگران صدا بزنید و بخواهید کتابی را که ساخته است نشان دهد.</p> <p>حال از سایر فراگیران بپرسید:</p> <ul style="list-style-type: none"> ● فکر می کنید کتاب درباره چه چیزی باشد؟ ● آیا این کتاب شما را به یاد چیزهای دیگری می اندازد که قبلا خوانده اید یا دیده اید؟ ● فکر می کنید چه نوع شخصیت هایی در کتاب خواهند بود؟ ● فکر می کنید داستان کجا اتفاق می افتد؟

● چه فکری کنید چه اتفاق خواهد افتاد؟

به هر شاگرد یک فرصت بدهید تا کتاب های خود را با هم صنفی های خود شریک بسازند.

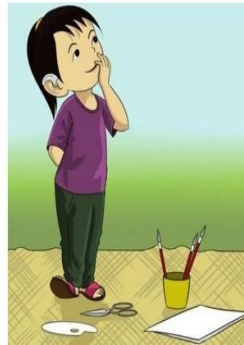
● برای خاتمه دادن به هفته آموزشی، یک داستان را با اطفال شریک سازید:
«کی میتواند من را کمک کند؟» با تمام اطفال کلمبیایی که میخوانند.

Who Can Help Me?

By All Children Reading,
Cambodia

Taro wants to read a book. But she does not have a book.

"I will make my own book," says Taro



کی میتواند من را کمک کند؟

تارو میخواهد یک کتاب بخواند. اما او یک کتاب ندارد.

تارو میگوید، «من برای خودم یک کتاب میسازم.»

۱۰ دقیقه



She draws and her father helps her paint the picture.

او رسم می کند و پدرش او را در رنگ آمیزی کمک می کند.

Now, Taro paints and her mother helps her cut the pictures.



حالا، تارو رنگ آمیزی می کند و مادرش او را در قطع کردن عکس ها کمک می کند.



Then, she cuts the pictures and her grandmother helps to glue them.

بعد، او عکس ها را قطع می کند و مادر کلانش او را در چسباندن آنها کمک می کند.

Taro writes a story and her brother helps staple the pages together.



تارو یک داستان نوشته می کند و برادرش او را در جمع کردن صفحه ها کمک می کند.



Then, she cuts the pictures and her grandmother helps to glue them.

بعد، او عکس ها را قطع می کند و مادر کلانش او را در چسباندن آنها کمک می کند.

Taro writes a story and her brother helps staple the pages together.



تارو یک داستان نوشته می کند و برادرش او را در جمع کردن صفحه ها کمک می کند.

تارا یک کتاب برای خواندن دارد!

مانند تارا در داستان، شاگردان حالا نویسنده های کتاب های خود هستند!

- به شاگردان وقت بدهید تا در مورد آن فکر کنند و آن را مشترک بسازند:
- شما چه احساس می کنید وقتی کتاب خود را مشاهده می کنید؟
- آیا میخواهید کتاب خود را با دیگران شریک بسازید؟ چرا؟
- کدام کتاب های دیگر را میخواهید تشریح نمایید؟

<p>فعالیت های تقویتی بیشتر</p>	<p>شاگردان می توانند متن اضافی در کتاب خود بگنجانند و یک صفحه پشت کتاب با خلاصه از داستان و "بررسی" اعضای خانواده طراحی کنند.</p>
<p>ساده سازی</p>	<p>شاگردان میتوانند تمام نوشته ها را حذف کنند تا یک کتاب ساده بدون کلمه / مشرّیح بسازند.</p>

بخش اول : یک کتاب برای پچکو
<https://storyweaver.org.in/stories/24620-a-book-for-puchku>



A Book for Puchku

Author: Deepanjana Pal

یک کتاب به پنچو



"Puchku! Have a bath!"
"Puchku! Eat your food!"

«پنچو! حمام کن!»
«پنچو! غذای خود را بخور!»



"Puchku! Go to class!"
"Puchku! Get on the bus!"
"Puchku! Do your homework!"



«پنچو! برو در صنف!»
«پنچو! در ملی بس بالا شو!»
«پنچو! کارخانگی خود را انجام بدی!»



"Where is Puchku?"

«پنچو کجاست؟»

Puchku is busy.
She has a book to read.

پنچو مصروف است.
او یک کتاب میخواند.

Puchku reads all the time — at home, in school, in the park, in bed.
Page after page, book after book, one by one, she has read them all.

پنچو همیشه در خانه، در مکتب، در پارک، در تخت خواب کتاب میخواند.
صفحه به صفحه، کتاب به کتاب، یکی یکی، او تمام آنها را خوانده است.





"Why are you always reading Puchku?" asks Boltu.

بولتو میپرسد، «چرا همیشه درس میخوانی؟»

"Books are so much more fun!" says Puchku.

پنچو میگوید، «کتاب ها بسیار جالب هستند!»

"Look! You see a circle? And this straight line? Push it in, pull that out, and it becomes a letter. Line up the letters, and you have a word!

«ببین! تو یک دایره میبینی! و خط مستقیم آن را! آن را داخل بکش، آن را بیرون بکش، و آن یک حرف می شود. وقتی حروف را به ترتیب نوشته کنی، یک کلمه بوجود میآید! کلمات میتوانند معنی داشته باشند، کلمات میتوانند جالب باشند، کلمات میتوانند ناراحت کننده باشند و میتوانند درخشان باشند.»

Words can be wise, words can be funny, words can be sad and words can be sunny.

When you put words together, they make sentences. And sentences become stories. Read it and WHOOSH! You are in another world!"



وقتی کلمات را یکجا بسازی، آنها جمله را تشکیل میدهند. و جمله به داستان تبدیل میشود. آن را بخوان و صدا بوجود میآید! شما در یک دنیای دیگر وارد می شوید!



But today, Puchku is in a fix. She has run out of books to read! All the books that she could reach in the library, she's read from Chapter One to The End.

اما امروز، پنچو همه چیز را منظم ساخت. او تمام کتاب ها را خواند و دیگر کتاب به خواندن ندارد!



پنچو چیغ میزند، «من چه کنم؟ دیگر کتاب به خواندن ندارم!»

"What will I do? No more books to read!" wails Puchku.



There is still one problem though. She is too short. And the bookshelf is too tall.

پس هنوز یک مشکل وجود دارد.
قد او کوتاه است و الماری کتاب ها بسیار بلند هستند.

How can Puchku get up there?

پنچو چطور آنجا بالا شود؟



Maybe she can use a washing line?
Or Ma's sari to climb?
How about the chairs and tables in the room?

شاید او بتواند از تناب لباسشویی استفاده کند؟
و یا از ساری مادرش برای بالا رفتن استفاده کند؟
در مورد چوکی ها و میزهای اتاق چه نظر دارید؟



Puchku has a plan. She calls Boltu and Dodla for help.

As quiet as they can, they climb on top of each other. "Boltu, you're heavy!" Dodla complains. "Told you not to eat that last rasgulla." "It's not me," Boltu hisses. "It's Puchku!" "Shh! Almost there," says Puchku.

Just then, it all goes wrong.



پنچو یک پلان دارد. او به بولتو و دودلا برای کمک زنگ میزند.

آنها به آرامی میتوانند بالای شانه های یکدیگر بالا شوند. دودلو شکایت میکند «بولتو بسیار سنگین هستی.» بولتو آهسته میگوید، «گفتم راسگولای آخری را نخوریم.» «من نیستم، پنچو است.» پنچو میگوید، ایش! تقریباً رسیدیم.»

کمی مانده بود دستش برسد، همه چیز خراب شد.

اها! افتادن!



"What is happening here?" It is the Very Tall Librarian!
She puts Puchku down.
Boltu and Dodla run away!
Puchku looks up sadly at the book she almost had in her hand.
"Can I help?" asks the Very Tall Librarian.

"I was trying to climb the bookshelf.
I have run out of books to read," says Puchku, sadly.
"Why didn't you say so?" says the Very Tall Librarian.
"As long as I am around, you do not have to climb
a bookshelf. May I pick you up?"
Puchku nods.



"I will take this, and this, and this one too!" says Puchku happily. "Thank you!"
"Take this one too," says the Very Tall Librarian.
"When I was small, I loved this book."



«اینچه چه گپ است؟» من بلندترین مسول کتابخانه هستم!
او پنچو را پایین گذاشت.
بولتو و دودلا فرار کردند!
پنچو بسیار ناراحت طرف کتابی که در دستش بود دید.
مسول قد بلند کتابخانه گفت، «آیا میتوانم تو را کمک کنم؟»

من کوشش می کردم در الماری کتاب بالا شود.
پنچو با ناراحتی گفت، «برای کتاب برای خواندن ندارم.»
مسول قدبلند کتابخانه گفت، «چرا به من نگفتی؟»
تا زمانیکه من اینجا هستم، تو نباید در الماری کتاب بالا شوی. همیشه
من بلندت کنم؟ پنچو با اشاره سر خود را شور داد. «گفت بلی.»

پنچو با خوشحالی گفت، «من این، این، و این کتاب را می گیرم.
تشکر! مسول کتابخانه قد بلند گفت، «این کتاب را همچنان بگیر.»
وقتی من خورد بودم، این کتاب را خوش داشتم.

"You were small once?" Puchku asks.

"Oh yes, even smaller than you," says the Very Tall Librarian. "But then I grew, and so will you. Until then, all you need to do is ask for a book and I will be here to give it to you."



پنچو میپرسد، «شما هم وقتی کوچک بودین؟»

مسول قدبلند کتابخانه گفت، بلی حتی کوچکتر از تو بودم. اما بعدا بزرگ شدم و خودت هم بزرگ میشوی. بعداز این هر چیزی ضرورت داشتی به من بگو من اینجا هستم و به تو خواهم داد.

But is Puchku listening?
No she is not!
She is inside her book,
through a circle and a line
And a letter and another.
Then a word! And another,
A sentence. And another.
And now a story.



Because Puchku has a new book.

اما آیا پنچو به گپ های او گوش می کند؟
نخیر او گوش نمی کند!
او با یک دایره و یک خط کتاب خواندن
را شروع کرده و یک حرف و یک چیز
دیگر. بعد، یک کلمه! یک کلمه دیگر،
یک جمله و یکی دیگر و حالا یک قصه
میخواند.

بخاطریکه پنچو یک کتاب نو دارد.

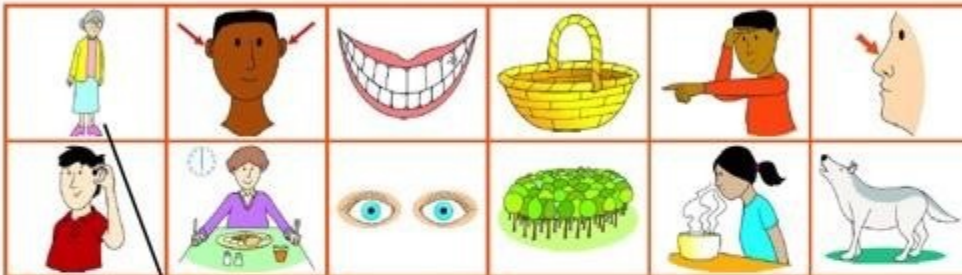
بخش دوم



Little Red Riding Hood

1. Match them up!

Draw a line to match the picture and the word.



wood	granny	basket	wolf	eyes	see
ears	hear	nose	smell	teeth	eat

2. What's the order?

Watch the story and put the sentences in order.



- | | |
|---|---|
| | On her way she met a wolf. |
| | Little Red Riding Hood looked at the wolf's eyes, ears, nose and teeth. |
| 1 | One day Little Red Riding Hood went to visit her granny. |
| | Little Red Riding Hood never saw the wolf again. |
| | The wolf opened his mouth wide and Granny jumped out. |
| | The wolf ran to Granny's house and ate Granny up. |
| | A woodcutter heard a loud scream and ran to the house. |



3. Match them up!



Watch the story. Match what Little Red Riding Hood and the wolf say.

Granny, what big eyes you have!

All the better to hear you with!

Granny, what big ears you have!

All the better to eat you with!

Granny, what a big nose you have!

All the better to see you with!

Granny, what big teeth you have!

All the better to smell you with!

4. Write and draw!



Draw a picture of your granny or someone else in your family and write about them.